

شاهد ضمنی بر توافق برجام در بودجه

عباس عبدي

اولین لایحه بودجه دولت جدید به مجلس داده شد. نکات مثبت و منفی آن را باید کارشناسان بودجه نقد و ارزیابی کنند، ولی چند مورد کلی و بیشتر منطقی و سیاسی وجود دارد که پرداختن به آن خالی از فایده نیست.

اولین نکته این است که همسویی کامل دولت و مجلس در ذیل يك خط سياسي حداقل این انتظار را ایجاد می‌کند که در بررسی بودجه از وضعیت گوشت قربانی که در گذشته وجود داشت خارج شود. منظور از گوشت قربانی، از میان رفتن انسجام بودجه بر اثر فشارهای نمایندگان مجلس و گرو گرفتن رای مثبت دادن به لایحه به ازای تامین مطالبات منطقه‌ای و محلی است. وضعیتی که همواره موجب اختلال در انسجام بودجه و افزایش بی‌رویه مصارف و نیز تامین منابع صوری درآمدی و غیرواقعی می‌شده است. ای کاش این یک‌دستی حکومت بتواند حداقل این مشکل را برطرف کند.

نکته بعدی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی است که ظاهراً در بودجه ۱۴۰۱ از پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان خبری نیست. گرچه حذف این ارز تبعاتی دارد ولی يك ضرورت است. غیرممکن است که بتوان با همین دست فرمان ادامه داده شود. بنابراین از حذف این ارز زیان‌بار باید دفاع کرد. البته لازم به تذکر است که این حذف باید به صورت يك قاعده درآید. یعنی پس از این دیگر زیر بار وضعیت دو یا چند قیمتی نروند، مثل خودرو یا از همه مهم‌تر ارز. هم اکنون هم میان قیمت بازار و ارز نیمایی فاصله چند هزار تومانی ایجاد شده است. به احتمال زیاد کالاهایی که با این ارز وارد کشور میشوند به همان قیمت ارز آزاد فروش می‌رود، ولی در عمل واردکننده آن ارز را به قیمت نیمایی گرفته است و این يك رانت بسیار قابل توجهی است. در لایحه بودجه نرخ برابری دلار ۲۳ هزار تومان در نظر گرفته شده است. طبیعی است که این نرخ بستگی مستقیمی به مذاکرات برجام دارد. حتی نشريات معتبر اقتصادي جهان نیز مشروط به حل مساله برجام این نرخ را کمتر از این رقم هم برآورد کرده‌اند. ولی اگر برجام حل نشود، چنین نرخی بیش از يك تصور و خیال نخواهد بود. همین الان هم

به بالای ۳۰ هزار تومان رسیده است. بنابراین تصور می‌کنیم که نویسندگان بودجه و دولت اطمینان نسبی از حل برجام دارند. شاید بتوان گفت که این بهترین شاهد و قرینه برای این است که تصور دولت را از حل برجام نشان می‌دهد.

یک نکته بسیار مهم این است که اگر نرخ برابری دلار را ۲۳ هزار تومان فرض کنیم و همه ارزها نیز یک‌کاسه شوند، در این صورت حداقل حقوق که حدود ۴،۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است، حدود ۲۰۰ دلار خواهد شد. گرچه قدرت خرید ۲۳ هزار تومان، بالاتر از یک دلار است ولی در هر حال این حد از شکاف میان ارزش بازاری ارز با قدرت خرید آن موجب اتلاف منابع کشور می‌شود که باید جداگانه به آن پرداخت و لازم است که دولت در این مورد اقدامی جدی به عمل آورد. خلاصه آن است که تنها راه آن، بازگشت سرمایه به کشور و توقف فرار سرمایه از کشور است. علت بالا بودن نرخ ارز در بازار نسبت به قدرت خرید ریال، تقاضای روزافزون به خروج سرمایه از کشور و نیز ناامیدی از آینده و ارزش ریال است.

آقای ریسی هنگام رایحه بودجه در مجلس دو نکته را هم اشاره کردند که پرداختن به آنها ضروری است. اول اینکه گفتند در چند ماه آخر دولت گذشته هزینه‌ها و تعهداتی را برای ما ایجاد کردند که چون کارشناسی نشده بود، دولت و مجلس را به زحمت انداخت. دولت‌ها مثل یک رودخانه هستند. یک جریان مداوم و نه ایستا. این تعهدات برای دولت شما نبوده است، می‌توانسته در طول سال‌های گذشته نیز ایجاد شود و همان دولت وظیفه انجام آنها را برعهده داشته است، قرار نیست آنان کار خود را برای روز تحویل ببندند. لذا در این موارد باید صریح و شفاف نظر داد تا مخاطب متوجه جزئیات این ادعا شود. نکته دیگری که گفتند این بود که گره زدن اقتصاد کشور به غرب در دولت قبل همه را رنج می‌داد. اتفاقاً بودجه موجود با فرض دلار ۲۳ هزار تومان در سال آینده صددرصد به معنای گره زدن اقتصاد کشور به سرنوشت برجام است. اجازه دهید یک مساله را آزمون کنیم. اگر بدون حل برجام توانستید سال آینده دلار را ۲۳ هزار تومان به مردم دهید، یک امتیاز کامل اقتصادی و مدیریتی برای شما و دولت شما در نظر گرفته می‌شود و اگر نتوانستید که قطعاً نمی‌توانید، در این صورت بپذیرید که این ادعاها فقط در حد شعار و برای سرگرمی یا خارج کردن دیگران از گفت‌وگو است.

اجازه دهید به یک نکته دیگر هم اشاره کنم. حل برجام شرط لازم و نه کافی برای حل مشکلات کشور است تازه پس از آن باید آستین‌ها را بالا زد و تغییرات اساسی داد. منتظر می‌مانیم.

□□□□□□ 1400 □□□ 22 □□□□□□ □□□□□□:□□□□